

من چنان

www.ketab.ir



من قاتل هستم

۲۰۲

مؤسسه انتشاراتی لاهوت

نوبت چاپ: اول بهار ۸۴

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: امیر

قیمت: ۵۰۰ تومان

تهران، سه راه طالقانی (تقاطع طالقانی و شریعتی)

ساختمان ۴۳۸، طبقه چهارم

تلفن: ۷۵۲۴۵۴-۷۵۲۴۵۴-۲۱

تلفن دفتر قم: ۷۷۴۷۴۹۳-۲۵۱

شابک: ۹۶۳-۷۷۶۲-۴۸-۸

فهرست

صفحه

عنوان

۶	 مقدمه
۱۳	 داستان اول: نقشه شوم یک جنایت
۲۰	 داستان دوم: از جنایت تا مکافات
۲۶	 داستان سوم: من از ناموسم دفاع کردم
۲۹	 داستان چهارم: عروس قاتل پای چوبه دار بخشیده شد
۳۱	 داستان پنجم: نام قاتل تا آخر عمر با ماست
۳۹	 داستان ششم: در خانواده ما طلاق رسم نبود
۴۱	 داستان هفتم: رقص مرگ
۴۹	 داستان هشتم: پدری که سر دخترش را برید
۵۱	 داستان نهم: قتل پیرزن شاهد، پایان کار نبود
۵۳	 داستان دهم: راز توطئه خونین علیه شوهر درگنبد
۵۶	 داستان یازدهم: نوزاد چهار روزه پسر نبود!
۵۸	 داستان دوازدهم: قاتل فراری در عراق دستگیر شد
۶۰	 داستان سیزدهم: عشقهای مرگ آفرین
۶۰	 قتل سرباز جوان
۶۲	 داستان چهاردهم: قربانی عشق اینترنتی
۶۴	 داستان پانزدهم: انتقام از نامزد سابق
۶۶	 داستان شانزدهم: قاتل وجدان درد گرفت
۶۸	 داستان هفدهم: شوخی دوستانه با جنایت پایان گرفت
۷۰	 داستان هجدهم: انتقام خونین داماد از مادر زن

- داستان نوزدهم: قتل در کلبه جنگلی ۷۲
- داستان بیستم: معمای مرگ یک زن جوان در شهری ۷۴
- داستان بیست و یکم: گذشت مادر، قاتل را به زانو در آورد ۷۷
- داستان بیست و دوم: قتل یک زن در کلبه متروک ۸۳
- داستان بیست و سوم: اعدام برای عاملان جنایت ۸۷
- داستان بیست و چهارم: غروب غم‌انگیز «سحر» ۹۰
- داستان بیست و پنجم: پایان هولناک زندگی آرزوی ۱۸ ماهه ۹۳
- داستان بیست و هفتم: قاتل زن فقط ۲ ساعت فراری بود ۹۵

مقدمه

جرم پدیده انسان اجتماعی است. عوامل حیاتی انسان اعم از آلی و فیزیولوژیک و خصائص روانی نابه هنجار او از یک سو، محیط و عوامل اجتماعی نابه هنجار از دیگر سو، تحت ضوابط و شرایطی با یکدیگر در آمیخته از آن انسانی تبهکار پدید می آورد.

حال این پرسش مطرح است که علت چیست؟

۱- علت:

بنا به روایت پی ناتل^۱ به تازگی از طرف سازمان ملل متحد علت چنین تعریف گردیده است که:

«شرط لازمی که بدون آن رفتار مجرمانه بروز نخواهد کرد»

نظریه استوارت میل^۲: برای دست یافتن به علت امری می توان به چهار طریق یا روش عمل کرد:

۱- روش توافق: ^۳ فرض کنیم مردی ۲۵ ساله، کارگر، دارای ضریب هوشی ۹۰ و مجرد که کودکی را در یتیمی گذرانده و محبت نچشیده است اکنون جوانی را با ضربه چاقو از پا در آورده است. مورد دیگری را در نظر گیریم: این بار بانوئی ۲۲ ساله، کارمند، دارای ضریب هوشی ۱۰۰ و متاهل که کودکی را در یتیمی گذرانده و محبت نچشیده است. این بانو هم جوانی را با ضربه چاقو از پا در آورده است.

۱-p.pinatel

۲-John stuart Mill (۱۸۰۶-۱۸۷۳)

۳-Methode de concordance

با مقایسه این دو مورد چاقوکشی در می‌یابیم که این دو نفر با تمام اختلافاتی که از نظر جنس، سن، شغل، بهره‌هوشی، وضع تاهل با یکدیگر دارند در یک عامل مشترک «یتیمی و محبت نچشیدن» با یکدیگر سنخیت دارند. این عامل مشترک را طبق روش توافق می‌توان علت چاقوکشی دانست.

۲- روش اختلاف: ^۱ برای توضیح گوئیم جیمی نوجوانی است ۱۴ ساله که پدر و مادرش از ایتالیا به امریکا مهاجرت کرده‌اند. پدر به شغل کارگری اشتغال دارد، ثروت این خانواده متوسط است و والدین به جیمی محبت می‌ورزند. بهره‌هوشی این نوجوان طبیعی و کافی است. جیمی نوجوانی است ناکرده بزه.

فرانکی نوجوانی است ۱۴ ساله که پدر و مادرش از ایتالیا به امریکا مهاجرت کرده‌اند. پدر فرانکی به شغل کارگری اشتغال دارد، ثروت این خانواده هم متوسط است ولی والدین فرانکی از بذل محبت نسبت به او مضایقه نموده‌اند. بهره‌هوشی این نوجوان هم به تناسب سن او طبیعی و کافی است. فرانکی نوجوانی بزهکار بوده است.

در این دو مثال جیمی و فرانکی در تمام اوضاع و احوال فردی و خانوادگی مشابه یکدیگرند الا آنکه جیمی محبت چشیده ولی فرانکی محبت نچشیده است و همین امر یعنی «محبت نچشیدن» علت بزهکاری فرانکی شده است.

۳- روش تغییرات متقارن: ^۲ توضیح این روش این است که اگر جرم سرقت با افزایش قیمت نان فزونی یابد و برعکس با تقلیل قیمت نان سرقت کاهش یابد گوئیم بالا رفتن قیمت نان علت افزایش سرقت است.

۱- Methode de difference

۲- Methode des variations concomitantes.

۴- روش بقایا: ۱ مثلاً برای اینکه بتوان رابطه علیت کنش فساد محیط خانوادگی را با جنایت ثابت کرد کافیهست که به آمار متوسل شویم تا ملاحظه شود که در میان خانواده‌های فاسد، چند کودک دست به جنایت زده‌اند و چند کودک درستکار باقی مانده‌اند. همین که تعداد کودکانی تبه‌کار چند برابر کودکان درستکار باشند می‌گوئیم فساد خانوادگی علت تبه‌کاری کودکان است.^۲

۲- شرط:

شرط امری است که در ایجاد شییی دیگری تاثیر داشته باشد. به طوری که از وجودش وجود آن شیء لازم نیاید ولی از عدمش عدم آن لازم آید. بنابر روایت آقای پی نائل از فن هنتیگ، «... شرایط میتواند فقط اتفاقاتی را پدید آورند و یا تحریکات اضافی را برانگیزند. بنابراین شرایط می‌توانند موجب روشن شدن یک عامل احتمالی گردند که در «علت‌شناسی جنائی» حائز اهمیت است.^۳

۳- عامل جرم‌زا: ۴

عامل هر وضع جسمانی یا روانی یا اجتماعی را گویند که می‌تواند در پیدایش یا افزایش جرم نقشی موثر داشته باشد اما این تاثیر مطلق نیست و در تمام موارد نمی‌تواند قاطعیت داشته باشد. و

الف: عوامل فردی یا بیولوژیک:

جنس، سن، اندام، عدم تقارن، در جمجمه، قیافه، زشتی و زیبایی، نقص

۱-Methode des residus

۲-Ibid, p.539

۳-J.pinatel,ouv.cit.p.68

۴-Facteur criminogene

خلقت، نوع خون، وضع مزاج، ضعف، قدرت، سوابق بیماری، وضع ترشح غدد، کروموزوم اضافی، عامل ژنتیک.

ب: عوامل روانی

ترس، بدبینی، خودبینی، خودپسندی، خودخواهی، مهرطلبی غیر عادی، زودرنجی، دیرجوشی، نفرت، کینه، حجب، پروئی، بی پروائی، تلون، عناد به خود، فقدان قاطعیت، ناپائی، پرخاشگری، کوتاه خردی، سبک عقلی، کم هوشی، خیال پروری، زودباوری، تلقین پذیری، پیشداوریهای ناصواب، سوءظن، عقب افتادگی، تکبر، جاه طلبی دور از وجدان، فقدان نیروی بیان، قدرت طلبی، کسب شهرت کاذب، حرص و آز، جنون ثروت، بخل، حسادت، ضعف اراده، ضعف احساسات اخلاقی، جنون اخلاقی، دوروئی، بی تفاوتی عاطفی، انزواگرایی، خبث طینت، منفی بافی، دروغ پردازی، جنون افسانه بافی، درون گرایی یا بیرون گرایی، احساس گناه، اضطراب، احساس ناامنی، محافظه کاری، ناکامی، محرومیت ها، عقده ها، خاصه عقده حقارت، عقده ادیپ، عقده الکتر، اضطراب اختگی، انحرافات گوناگون، صرع، هیستری، بیماریهای روانی، ناهنجاری منش، افسردگی، توهم، خستگی روانی، پسکوپاتی، اسکیزوفرنی، وسواس، هذیان بزرگ منشی، پارانوئیا، جنون دوره ای (مانیا کودپرسیو)، جنون آدم کشی، جنون آتش سوزی، تزلزل شخصیت، تعدد شخصیت و به طور کلی پنج گروه رفتار ناهنجار که شامل پسیکوزها، نوروزها، اختلال منش (پسکوپاتی، سوسیوپاتی، سکسوپاتی و اعتیادها)، نقیصه های عقلی و بیماریهای روان تنی است.

ج: عوامل محیطی:

وضع آب و هوا، فصول، شب و روز، منطقه جغرافیائی، شهر، روستا، سرما، گرما، رطوبت، خشکسالی

د: عوامل اجتماعی :

خانواده نا به سامان، ناسازگاری والدین، طلاق، سوء رفتار نامادری، یتیمی، کم محبتی، محبت فوق العاده، منظومه خانوادگی، سابقه تبهکاری والدین یا اجداد، خصوصیات مسکن و نارسائیهای آن، کوچه، محله، سهم شغل پدر، فساد تحصیلی، مشکلات تربیتی، معاشران فاسد، نداشتن برنامه صحیح برای گذراندن اوقات فراغت، بی کاری، نوع شغل، عدم رضایت شغلی، تجرد، کاشانه بی روتق، وضع بد اقتصادی، تورم، تبعیض، ثروت سرشار، سرمایه داری های بزرگ، بی اعتقادی به هیات حاکمه، عوامل سیاسی، نفوذ بیگانگان، مطبوعات، رادیو، سینما، تلویزیون، تقلید، مراکز فساد، تعارض فرهنگی، مهاجرت، بی عدالتی، ضعف دادگستری، نقص دادرسی، اقدامات خشونت آمیز، شکنجه، کیفر، کیفر تبعی، محیط نامناسب زندان، قربانیانی که موجبات وقوع جرم را تسهیل می کنند، تراکم جمعیت، جنگ، شورش، مواد مخدر، الکل....

کین برگ که روان پزشک جرم شناس و شخصیتی صاحب نظر در روانشناسی و جرم شناسی است می نویسد... ما آدمیان همگی دارای منش واحدی نیستیم. هر یک از ما در برابر فشار محرکهای خارجی واکنشی متفاوت از خود بروز می دهیم. برای روشن شدن این قضیه مثال زیر را مطرح می سازیم:

ده نفر بر حسب تصادف شاهد یک صحنه زد و خورد بین دو نفر در کوچه ای می گردند. این واقعه که یک امر محسوس عینی است، محرک واکنش های گوناگون در تماشاگران می شود: مردی قوی و با اراده که به نظم عمومی علاقه مند است برای پایان دادن به مشاجره و غوغا شخصاً مداخله می کند تا آن دو را از یکدیگر جدا نماید. مردی که به تماشای

مشت زنی علاقه‌مند است به تماشای این صحنه از نظر فنی می‌پردازد تا آنکه نتیجه و پایان کار را مشاهده نماید و به رایگان درسی جدی و عینی فرا گیرد. سومی به دنبال پلیس می‌دود. چهارمی از ترس فوراً فرار می‌کند. پنجمی یک محاکمه‌ای را در تعقیب این ماجرا پیش بینی می‌کند و از آنجا دور می‌شود تا مبادا به عنوان شاهد او را در دادگاه احضار نمایند. ششمی یک تماشاگر احساسی است که به هیجان می‌آید و سیل اشک از چشمانش جاری می‌شود. هفتمی زنی است که وضع روحی او از هر تظاهر خشن روگردان می‌باشد آن چنان از دیدن این صحنه می‌ترسد که در حال غش می‌کند. هشتمی شخصی است که دارای مسلک سوفسطائی یا کلبی می‌باشد شانه‌های خود را بالا انداخته پس از آنکه نگاهی ساده به صحنه می‌اندازد از آنجا دور می‌شود، نهمی جیب بری است که دنبال بازار آشفته می‌گردد تا از آب گل آلود ماهی بگیرد. سرانجام، دهمی خبرنگار روزنامه است و سعی دارد تا عکسهای جالبی از این صحنه تهیه نماید که با یک رپرتاژ قلمی، داستان مهیج و شورانگیزی از آن بسازد تا متاع خود را بهتر به فروش رساند. اگر افرادی دیگری حضور یابند، احتمالاً واکنشهای دیگری از خود بروز خواهند داد مثالی دیگر که از لحاظ جرم‌شناسی دارای اهمیت است در نظر گیریم:

مردی درستکار دچار مضیقه مالی می‌شود و به زحمت می‌افتد اما موقعیتی به دست می‌آورد که بدون هیچ گونه خطر می‌تواند مبلغی قابل ملاحظه به چنگ آورد ولیکن از آن صرف‌نظر می‌کند و بدون اعتنا از آن می‌گذرد. ارزش این عامل محرک (مضیقه شدید مالی) برای این مرد ناچیز و نزدیک به صفر است.

مردی دزد که خود را در چنین وضعی بیابد، بدون تردید مال را می‌رباید و خود را نجات می‌دهد. در این مورد اخیر ارزش محرک خیلی بالاست.

گاروفالو می گوید: «این موقعیت نیست که دزد بار می آورد، موقعیت تنها پرده از راز برمی دارد و نشان می دهد دزد کیست.^۱ حال سؤال اینجاست اگر ما در شرایط یکی از افرادی که در این کتاب سرگذشتشان را می خوانیم، قرار داشتیم چه می کردیم؟